

I
A
C
F
M



۱۳۸۵

انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران

مدیر مالی

نشریه انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران

پیش شماره هفت | آذر ماه ۱۳۹۹



۱۵ آذر ماه

روز حسابدار

گرامی باد

مدیر مالی



انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران

مدیر مالی

نشریه انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران
پیش شماره هفت | آذر ماه ۱۳۹۹

این نشریه به صورت آزمایشی و برخط منتشر می‌شود.
سردبیر: علی ط. ساکی
همکاران مجموعه: تبسم رضوانی، شقایق محمدزاده،
فرزانه اشتری و محمد دهشتی.

انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران،
راهی به سوی حرفه‌ای شدن.

اینستاگرام: @iacfm.ir

کانال تلگرام: @iacfm_ir

آپارات: @iacfm

وب سایت: www.iacfm.ir

لینکدین: iacfm

تلفن: ۸۸۹۴۰۲۷۷

آدرس: خیابان سپهبد قرنی، نرسیده به خیابان
کریم خان زند، کوچه خسرو، پلاک ۲۴ واحد یک

فهرست

سرمقاله..... علی ط. ساکی

وحدت ملی حسابداران فاطمه هادلوند

مصاحبه با استاد غلامحسین دوانی

تالار مشاهیر انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران

اعضای جدید انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران

آگهی و تبلیغات

پیوست:

شرایط عضویت

سرمقاله: شورای راهبردی تنها راه نجات

علی ط. ساکی | دبیرکل



سه سال پیش، پیشنهاد تشکیل شورای راهبردی حسابداری به پیشنهاد انجمن حسابداران خبره ایران مطرح شد. اما چرا همچنان این شورا تشکیل نشده است و اصلا ما چه نیازی به این شورا داریم؟

در چند صدهی اخیر و مخصوصا با ورود به قرن بیستم، و با نیاز بشر به انجام فعالیت‌های اجتماعی، اکنون هزاران انجمن مردم نهاد در همه‌ی زمینه‌ها و در سراسر جهان تشکیل شده‌اند. در موضوع حسابداری هم انجمن‌های متعددی تا کنون تشکیل شده است. مثلا در آمریکا ده‌ها انجمن گوناگون کشوری، ایالتی، منطقه‌ای و دانشگاهی در رشته‌های حسابداری، حسابرسی، حسابرسی داخلی، مدیریت مالی و مشاوره مالی وجود دارد. در ایران نیز به همین منوال و با مقیاس کوچکتری انجمن‌های مختلفی تشکیل شده‌اند. در حال حاضر بالغ بر شش انجمن کشوری و چندین انجمن استانی و دانشگاهی فعالیت می‌کنند. انجمن حسابداران خبره ایران، جامعه حسابداران رسمی ایران، انجمن حسابداری ایران، انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران، انجمن حسابرسی ایران و انجمن حسابرسان داخلی ایران بزرگترین تشکلهای حرفه‌ای حسابداری در ایران هستند. یکی از تفاوت‌های انجمن‌ها در ایران با سایر کشورها، عدم وجود مرزبندی در ایجاد این تشکلهاست و این خود موجب رقابت درونی حرفه می‌شود. بنابراین وجود هیئتی که مسئولیت نظارت بر مرزبندی انجمن‌ها و جلوگیری از رقابت‌های بی‌مورد را بر عهده بگیرد، اجتناب ناپذیر است. همچنین این هیئت یا شورا باید با هم‌سو کردن فعالیت‌های انجمن‌ها، حرفه را برای رسیدن به اهداف متعالی خود کمک کند. وجود چنین شورایی کمک می‌کند که فعالیت‌های انجمن‌های کوچک استانی و دانشگاهی نیز متشکل و هدفمند شوند. وجود یک پایگاه واحد برای حرفه، مثل یک انجمن صنفی، باعث می‌شود تمام انجمن‌ها و نهادهای حسابداری ایران، زیر یک پرچم واحد فعالیت‌های خود را گسترش دهند و به دور از نزاع، انرژی خود را معطوف به اعتلای حرفه در جامعه نمایند. ایمان دارم مطالبات حرفه‌ی حسابداری از جمله ثبت روز ملی "حسابدار" در تقویم رسمی کشور، صرفا با تشکیل اینچنین شورایی قابل دستیابی است. به امید آن روز.

وحدت ملی حسابداران

فاطمه هادلوند | استاد دانشگاه و عضو هیات مدیره انجمن مدیران مالی اصفهان



پس از نام‌گذاری هفته جهانی حسابداری از سوی فدراسیون بین‌المللی حسابداری (IFAC) در دسامبر سال ۲۰۰۸ و تاکید این نهاد بر برگزاری گردهمایی‌ها یا آیین‌های ویژه‌ای را به همین مناسبت در سراسر جهان، انجمن‌های حرفه‌ای ایرانی عضو ایفک نیز از سال ۱۳۸۶، یازدهم لغایت هفدهم آذر ماه هر سال را به عنوان هفته حسابدار و روز پانزدهم آذر را به عنوان روز حسابدار نام‌گذاری نمودند. در این راستا همه ساله گردهمایی‌هایی به این مناسبت توسط نهادهای حسابداری و حسابرسی و انجمن‌های صنفی این حرفه، در سراسر ایران برگزار می‌گردد. ثبت روز جهانی حسابداری و نام‌گذاری این روز از سوی فدراسیون بین‌المللی حسابداری نشان از جایگاه ویژه این حرفه و اهمیت مشارکت آن در رشد و توسعه جهانی دارد.

نقش حرفه حسابداری در رشد و شکوفایی اقتصاد داخلی بر هیچ کس پوشیده نیست. یکی از شاخص‌های کلیدی حکمرانی دولت‌ها شاخص شفافیت می‌باشد. شفافیت اقتصادی، یکی از مؤلفه‌های اصلی شفافیت به معنای عام است و در برگیرنده شفافیت در بخش‌های عمومی و خصوصی اقتصاد می‌باشد. حسابداری زبان کسب‌وکار است و حسابداران اطلاعات مالی را برای تصمیم‌گیری استفاده‌کنندگان تهیه و ارائه می‌کنند. صورت‌های مالی، به عنوان محصول نهایی هر سیستم حسابداری، یکی از گزارش‌های مهم برون سازمانی است و از ابزارهای پاسخ‌گویی مدیران در بخش‌های دولتی و غیردولتی محسوب می‌شود. از مزایای شفافیت مالی بنگاه‌های اقتصادی که با نقش حسابداران در تهیه اطلاعات مالی گره خورده، می‌توان به وصول مالیات توسط سازمان امور مالیاتی، دریافت حق بیمه توسط سازمان تامین اجتماعی و اعطای تسهیلات توسط بانک‌ها و مؤسسات مالی و اعتباری اشاره نمود، که همگی مورد توجه دولت بوده و مرتبط با انضباط اقتصادی و منافع عمومی آحاد جامعه است.

در کشورهای توسعه یافته، حسابداری و حسابرسی یکی از ارکان شفافیت اقتصادی می‌باشد که متأسفانه در کشور ما هنوز جایگاه اصلی خود را پیدا نکرده است. نبود شفافیت اقتصادی در جامعه می‌تواند به سقوط ارزش‌های اخلاقی و ترویج تقلب و فساد مالی منجر شده و ضمن سلب اعتماد عمومی، بحران‌های اجتماعی را پدید آورد.

در شرایط فعلی و با توجه به تحولات بوجود آمده ناشی از اپیدمی کرونا، و تغییر شرایط کاری سازمان‌ها از کار حضوری به دورکاری، جوامع بین‌المللی حسابداری اقدام به ارائه رهنمودهای کاربردی در این زمینه نموده‌اند. نقش فناوری‌های نوین در حسابداری و استفاده از ابزارهای کاربردی و بروز همچون بلاک چین، کلاد و سایر روش‌های نوین بیش از پیش نمایان شده است. در ایران نیز لزوم افزایش دانش و مهارت نیروی انسانی شاغل در حرفه حسابداری و ایجاد بسترهای مناسب آموزش برای دانشجویان این رشته جهت ورود به بازار کار از الزامات اساسی کشور محسوب می‌شود.

بر اساس آمار استخراج شده "حسابداران" یکی از بزرگترین جوامع حرفه‌ای دنیا می‌باشند. در ایران نیز بر اساس آخرین اطلاعات منتشر شده تعداد دانشجویان کل کشور حدوداً چهارمیلیون و ششصد و هفتاد هزار نفر می‌باشند، که از این میزان حدوداً چهارصد و هفتاد هزار نفر، دانشجویان رشته حسابداری می‌باشند. در واقع حدود ده درصد دانشجویان کشور را دانشجویان رشته‌ی حسابداری تشکیل می‌دهند. اهمیت و عظمت این رشته در سطح کشور به نحوی بوده که منجر به تشکیل جوامع و انجمن‌های حرفه‌ای همچون جامعه حسابداران رسمی، انجمن حسابداران خبره، انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران، انجمن حساب‌برسان داخلی ایران، انجمن حسابداری ایران و انجمن‌های استانی و دانشگاهی متعدد شده است.

در حالی که دنیا در حال بروزرسانی امکانات و ظرفیت‌های خود برای تطبیق با شرایط روز ناشی از ویروس کرونا می‌باشد و هر روز به بسط و تبیین ابزارهای نوین در این حرفه می‌پردازد، جامعه حسابداران ایران همچنان پیگیر حقوق ابتدایی حرفه خود، که همان "ثبت روز حسابدار در تقویم ملی" است، می‌باشند. در این زمینه اقدامات متعددی از سال ۱۳۹۶ توسط نهادها و تشکل‌های حرفه‌ای، از جمله انجمن مدیران مالی اصفهان صورت پذیرفته، لیکن هنوز به نتیجه قطعی و موثر منجر نشده است. از جمله این اقدامات، مکاتبات متعدد با نمایندگان مجلس شورای اسلامی، مکاتبه و مراجعه به شورای عالی انقلاب فرهنگی - که متصدی ثبت مناسبات در تقویم ملی است - توسط انجمن مدیران مالی اصفهان، بوده است. به همین منظور و در راستای برگزاری شش دوره حضور پرشور و با شکوه جامعه حسابداری در سلسله همایش‌های بزرگداشت روز حسابدار که همه ساله و از سال ۱۳۹۳، با شرکت جمع کثیری از حسابداران در اصفهان برگزار می‌گردد و عنوان بزرگترین گردهمایی حسابداران را در کشور به خود اختصاص داده است، سال گذشته نیز این همایش با حضور بیش از دو هزار نفر از اصحاب حرفه حسابداری و ارکان شورای عالی جامعه حسابداران رسمی و انجمن حسابداران خبره به عنوان دو نهاد ایرانی عضو آیفک برگزار شد. در این همایش از "کمپین ثبت روز حسابدار در تقویم ملی"، رونمایی شد و بیش از ده هزار امضا الکترونیک از حسابداران سراسر کشور، جمع‌آوری شد. اساتید و صاحب‌نظران به حمایت از این کمپین پرداخته و با ترغیب حسابداران برای پیوستن به این کمپین سعی در پررنگ‌تر نمودن آن داشتند، تا شاید بتوانند صدای خیل عظیم حسابداران را به گوش مسئولین و از جمله وزیر امور اقتصاد و دارایی به عنوان یکی از افراد تاثیر گزار بر شورای عالی انقلاب برسانند.

لازم و شایسته است این سرمایه عظیم انسانی توسط دولت و مسئولین مورد توجه قرار گرفته و با توجه به نقش کلیدی حسابداران، مدیران مالی و حساب‌برسان در سلامت فضای اقتصادی کشور، به ایشان نگاه ویژه‌ای معطوف داشت. تقویت جایگاه این جامعه تخصصی، در شرایط حساس کنونی و نیاز به تمرکز شاغلین این حرفه بر بروزرسانی ابزارهای نوین و ایجاد زیرساخت‌های لازم در این زمینه توسط نهادهای مربوطه، به جای معطوف داشتن انرژی خود به استیفای حقوق صنفی و ابتدایی خود، از الزامات حرفه‌ای حسابداران می‌باشد. به نظر می‌رسد ایجاد وفاق ملی میان کلیه مجامع حسابداری فارغ از ملی یا استانی بودن آن‌ها، در راستای اعتلای جایگاه و تحکیم موقعیت حسابداران و با تکیه بر نقش برجسته‌ی ایشان در پاسخ‌خواهی از ارگان‌های ذیصلاح از جمله رییس‌جمهور، وزارت امور اقتصاد و دارایی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و سایر وزرای و مسئولین ذیصلاح است، با اهتمام ویژه‌ای پیگیری شود، و موضوع "ثبت روز حسابدار در تقویم ملی" را یکصدا و توسط یکایک اعضای جامعه از مراجع مربوطه خواستار شد.



باسلام و احترام، سوال اول را از اینجا شروع می‌کنم که امروزه ما با یک فرار مالیاتی گسترده‌ای در اقتصاد روبه‌رو هستیم، حال بخشی از این فرارهای مالیاتی مربوط به شرکت‌های خیلی بزرگ است که در حال فعالیت هستند و بخشی از فعالیتشان را کتمان میکنند و بخش دیگر مربوط به شرکت‌هایی است که اصلاً وجود ندارند. نقش حسابداری در این ماجرا چیست؟ آیا حسابداران تاوان سودجویی کارفرمایان را می‌دهند؟ یا کارفرمایان هم چون از سمت دولت حمایت نمی‌شوند، مجبورند فرار مالیاتی انجام دهند؟ حسابداران و مدیران مالی در چنین وضعیتی باید چگونه برخورد کنند؟

با سلام، بنده هم هفته حسابدار را به تمامی دوستان، همکاران و اهالی حرفه تبریک می‌گویم. واقعیت این است که حرفه حسابداری در جهان با این تعریفی که ما در ایران داریم کار نمی‌کند، به نظر بنده حسابداری بیش از دو سه دهه است که تعریف خاصی را پیدا کرده است. که البته بنده هم در همایش اصفهان مطرح کرده‌ام که حسابداری، علم مهندسی ساخت و ساز مالی و حسابرسی علم مهندسی نظارت بر این ساخت و ساز مالی است. یعنی وظیفه حسابدار فقط تهیه ترازنامه نیست، حسابداری ارکان نظام پاسخگویی است، بنابراین اگر ما از چهارچوب مسئولیت‌های اجتماعی نگاه کنیم وظایف حسابداری، مدیریت مالی و حسابرسی داخلی متحول‌تر از آن چیزی است که در اینجا مطرح است. اما در ارتباط با فرار مالیاتی واقعیت این است که در همه جای دنیا که دارای بهترین سیستم‌های حسابداری هم هستند فرار مالیاتی وجود دارد، اما اخلاق حرفه‌ای ایجاب میکند که مدیر مالی، حسابرس داخلی و حسابدار تا حد امکان از فرار مالیاتی اجتناب کنند و خود را درگیر نکنند. ما تا قبل از سال ۹۵ هیچ قانونی نداشتیم که اگر شخصی در فرار مالیاتی درگیر بود چه اتفاقی برایش می‌افتد، چون فرار مالیاتی در ایران جرم نبود. بعد از اصلاحیه قانون مالیات‌های مستقیم، مصوب تیر ماه ۱۳۹۴ که از ۱۳۹۵/۰۱/۰۱ اجرایی شده است، فرار مالیاتی جرم تلقی می‌شود. به موجب این قانون کسانی که در فرار مالیاتی می‌توانند دخیل باشند اسم برده شده‌اند و در ابتدای قانون نوشته شده است حسابداران و حسابرسان، وقتی هم از حسابداران و حسابرسان اسم برده می‌شود منظور کل طیف این حرفه است یعنی اتفاقاً ما و وکلای ما را سرخط نوک حمله فرار مالیاتی دیده‌اند، که درست هم هست.

قانون سوت زنان یا افشاگران که اگر کسی مسائل فرار مالیاتی را افشا کند و منجر به وصول مالیات گردد بین نرخ ۱۰ تا ۲۵ درصد آن را سازمان امور مالیاتی به شخص پرداخت می‌کند، در همه جای دنیا این قانون وجود دارد، که در ایران هم کلیت این قانون دو هفته قبل به وسیله مجلس تصویب شد و جالب است بدانید یکی از معروف‌ترین اشخاص این داستان شخصی است به نام -اگر درست خاطر م باشد- برایان فیلد که در کالیفرنیا در بانک سوئیس مشغول به کار بوده و برای مشتریان پولشویی می‌کرد، این فرد را دستگیر می‌کنند و بعد از حدود دو سال که از زندان آزاد شد، خود شخص به سازمان امور مالیاتی آمریکا مراجعه می‌کند و بر اساس اطلاعاتی که در اختیار سازمان قرار می‌دهد، بانک ۷۸۰ میلیون دلار جریمه می‌شود و ۱۰۴ میلیون دلار از جریمه به این آقا پرداخت می‌شود، یعنی این آقا یک میلیونری شده که درآمدش معاف از مالیات هم محسوب شده است!

این یعنی سیستم‌های انگیزشی، به نظر بنده برخورد با فرار مالیاتی دارای دو وجه است یک کسانی که اطلاعات ندارند و نمی دانند کارهایی که انجام می‌دهند به عنوان فرار مالیاتی محسوب می‌شود، دو کسانی که می‌داند و درگیر می‌شوند که این افراد تکلیفشان روشن است و اخلاق حرفه‌ای را رعایت نمی‌کنند. حسابداران می‌توانند در واقع در وصول درآمدهای مالیاتی با شفاف‌سازی، موثر باشند و مدیران مالیاتی یا مدیران مالی که دارای تسلط مالیاتی هستند کارفرماهای خود را توجیه کنند که اگر این مسئله را رعایت فرمایید به نفع شرکت می‌باشد و مالیات را پرداخت کنند.

طبیعی است که پرداخت مالیات به یک سری مسائلی بر می‌گردد که فقط اینگونه نیست که با قانون بشود مالیات گرفت حتما سازمان امور مالیاتی یا دولت‌ها در قبال مالیات دریافتی از مردم باید پاسخگو باشد که مردم تشویق شوند مالیات خود را پرداخت کنند. طبیعتاً در همه جای دنیا اگر فقط قرار باشد مردم مالیات بدهند و بازخورد یا در قبالتش خروجی دریافت نکنند سعی می‌کنند مالیات خود را پرداخت نکنند.

در رابطه با موارد قانونی که در مورد ماده ۲۷۴ به بعد مطرح کردید تا الان که حکمی صادر نشده است یا اجرایی نشده است؟

اتفاقاً یکی از اشکالاتی که به سازمان امور مالیاتی وارد است در مورد این موضوع است که این همه مفسد اقتصادی در دادگاه‌ها هستند ولی برای هیچ کدام جرم فرار مالیاتی تعریف نمی‌کنند، که البته خود سازمان مدعی است که از بسیاری از این پرونده‌ها مالیات وصول شده است، حال به نظره بنده باید این موارد را افشا کنند.

همین وجه را می‌خواهم از دید حسابرس نگاه کنیم، ما می‌گوییم که در ایران حسابداری رسمیت ندارد اما حسابرسی در حقیقت دارای یک ماده قانونی است. یک واقعیتی که وجود دارد این فرار مالیاتی را حسابرسان می‌بینند ولی اگر بخواهیم جمع بندی کنیم هم خود شما و هم بنده با توجه به تجاربی که داریم بارها شنیده و دیده ایم که حسابرسی به دلیل اینکه حاضر به انجام مسائل اینچنینی نشده است، قرارداد خود را از دست داده است. از دید حسابرسان آنها هم فرار مالیاتی را می‌بینند و ماده قانونی پشت سرشان است اما همان نیازی که حسابداران به کار دارند را حسابرسان هم دارند. سوال بنده این است که آیا ما باید بگوییم که حسابداران و حسابرسان این اخلاق حرفه‌ای را رعایت نمی‌کنند؟ یا بگوییم جامعه این افراد را به سمتی می‌برد که برای بقاء مجبور باشند اخلاق حرفه‌ای را رعایت نکنند؟

بنده جزو کسانی هستم که چیزی بنام اخلاق حرفه‌ای را قبول ندارم، یعنی معتقد نیستم که یک اخلاقی است صرفاً برای حرفه، معتقدم که یک اخلاقی است که در جامعه باید رعایت شود. تبلور این اخلاق در جامعه در یک سری از شاخص‌ها وجود دارد. آقای پیتز دراکر که جزو سرآمدترین آدم‌های تشکیلات دنیاست، یک جمله معروفی دارد که می‌گوید: من چیزی را به نام اخلاق تجاری نمی‌شناسم، آنچه که وجود دارد همان اخلاقی است که در جامعه رواج دارد. یعنی درست می‌گویید باید همه اخلاق را رعایت کنند، از کارفرما تا دستگاه قضایی تا حسابداران، برای ما شاخصه‌های تعریفی متفاوت دارد، مثل اینکه مطرح کنیم حسابرسی بی‌زینس نیست، حسابرسی بی‌زینس است، حسابداری یک کسب و کار است ولی در یک چهارچوب خاصی صورت می‌گیرد، مثل شغل بقالی نیست که بخاطر فروش هرکاری بتوانیم بکنیم. ما مجبوریم در جامعه برای رعایت اخلاق حرفه‌ای بسترهایش را هم فراهم کنیم و اینگونه نباشد که اگر شما یک بند نوشتید، کسی جرات کند شما را عوض کند. حسابرسان معمولاً دارای یک بند مالیاتی هستند که خود را پوشش می‌دهند و می‌گویند کارفرما بر اساس قانون، مالیات خود

را حساب کرده و بستگی به سازمان امور مالیاتی دارد که چگونه عمل خواهد کرد مگر اینکه از حسابرسان بخواهند که حسابرسی مالیاتی انجام دهد، آن وقت قضیه متفاوت است.

مالیات در تمامی کشورهای دنیا درآمد اصلی کشور به حساب می‌آید، به جز چند کشور که دارای نفت و منابع زیرزمینی هستند، جالب است بدانیم از سال ۹۵ تا به حال درآمدهای مالیاتی ما بیشتر از درآمدهای نفتی بوده است و به همین دلیل است که مالیات برجسته شده است. برای سال آتی که اصلاحیه قانون مالیات‌ها تصویب شده و عایدی سرمایه بیاید، یک بازار کار و سعی برای حرفه حسابداری ایجاد خواهد شد. چون تعداد مودیان ممکن است به ۲۵ الی ۲۶ میلیون نفر برسد. به این معنی که هر کسی فعالیت بازرگانی انجام می‌دهد باید اظهارنامه ارسال کند، خوب خیلی از این افراد بلد نیستند اظهارنامه ارسال کنند، کافی نت‌ها هم کفایت نمی‌کند و هم حرفه ای نیستند. می‌شود موسسات کوچک خدماتی تشکیل داد که در همه جای دنیا هم وجود دارد به عنوان مثال در آمریکای شمالی یک موسسه خدماتی به نام HR مشغول به این کار است و درآمد پار سال این موسسه ۴ میلیون دلار بوده است. یعنی اگر با درآمد بزرگترین موسسات حسابرسی جهان مقایسه کنیم این موسسه در رتبه ششم است، اظهارنامه مالیاتی، لیست حقوق و لیست بیمه رو ارسال می‌کنند، چیزی که امروزه در ایران هم وجود دارد ولی خیلی محدود است. می‌شود موسساتی راه اندازی شود که حتی با تعداد ۲ الی ۳ نفر این خدمات را انجام دهند. در حال حاضر بعضی از شرکت‌ها بصورت متفرقه این خدمات را انجام می‌دهند، مستحضر هستید که امروزه حتی داروخانه‌ها هم باید اظهارنامه و ارزش افزوده ارسال کنند. ولی بایستی این شرکت‌ها تشکیلات رسمی به ثبت برسانند که هم وجهه قانونی داشته باشند، هم سازمان امور مالیاتی از این موسسات حمایت کند، که متأسفانه در حال حاضر سازمان امور مالیاتی یکی از موانع توسعه این حرفه به حساب می‌آید. مثلاً اگر به هر سیستم دسترسی بیش از ارسال سه اظهارنامه را ندهند جلوی کسب و کار را می‌گیرند، مسئولیت اظهارنامه با کسی است که آن را امضا می‌کند و فرقی ندارد چه کسی آن را پر میکند. به نظر بنده با توجه به اینکه درآمدهای مالیاتی در ایران بیش از درآمد نفتی است و فاتحه درآمد نفتی دیگر خوانده شده است، حتی اگر تحریم‌ها هم برداشته شود درآمد نفتی مثل سابق نمی‌تواند نقش بازی کند و درآمد پایداری نیست و دولت هم متوجه شده است که درآمد نفتی با یک تحریم می‌تواند از بین برود و دنبال یک درآمد پایدار است و مهمترین درآمد پایدار هم درآمد مالیاتی است، برای همین در تمام کشورهای دنیا مالیات مهم است و همچنین حسابداری و حسابرسی مهم هستند، زیرا برای دسترسی به آن درآمد این ابزارها لازم است.

در ایران که تا به حال به این موضوع اهمیت نمی‌دادند چون اصلاً درآمدهای مالیاتی نبوده پس خیلی هم ابزار، برایشان اهمیت نداشته، اما اگر دقت کنید تقریباً یک دهه است بخصوص بعد از سال ۹۵ تا به حال حرفه یک تکانی خورده است زیرا تنها ابزاری که می‌توانند به آن درآمد برسد این حرفه است، پس ناچار هستند از این حرفه حمایت کنند، کما اینکه الان در طرح اصلاح طرح جامع نظام حسابداری و حسابرسی کشور صحبت از حسابدار امین شده است، یعنی طرحی در مجلس ارائه شده و راجبش بحث می‌شود که مدیران مالی شرکت‌ها الزاماً باید کسانی باشند به نام حسابداران امین که احتمالاً دارای مشخصاتی هستند و باید یک گواهی هم داشته باشند. خوب این نکته مثبتی است به این معنی که دیگر هرکسی نمی‌تواند ادعا کند مدیر مالی است، زیرا ما از مدیر مالی یک توقعاتی داریم و امروزه در بسیاری از موارد کسانی که ادعا می‌کنند مدیر مالی هستند، الفبای مالی هم نمی‌دانند و باعث میشوند مدیر مالی هم زیر سوال رود.

به نظر بنده یک اتفاقاتی در دنیا افتاده است که پس لرزه‌های آن در ایران شروع شده است. یعنی ما ناچاریم حسابرسی داخلی و فعال کنیم. کرونا نقش حسابرسی داخلی را خیلی برجسته کرده است، زیرا ما حسابرس‌های خارجی وقتی به شرکتی می‌رویم

کار شرکت انجام شده است و خیلی در آینده شرکت نمی‌توانیم موثر باشیم، ارزش آفرینی حسابرسان خارجی نسبت به حسابرسان داخلی یا مدیران مالی خیلی کمتر است، آنها هستند که با جریان حادثه به سمت جلو می‌آیند و اگر تسلط و دقت نظر داشته باشند می‌توانند شرکت را از مصیبت خلاص کنند، ما حسابرسان خارجی وقتی به شرکتی می‌رویم باید بگوییم کار تمام شده حالا چهلم برایش برگزار کنید! به همین علت نقش مدیران مالی و حسابرسان داخلی در این دوران پسا کرونایی خیلی برجسته شد و همه متوجه شدند که حسابرسان داخلی بودند که در واقع سیستم‌های امنیتی و برنامه شرکت‌ها را چک می‌کردند که آیا شرکت می‌تواند تداوم فعالیت داشته باشد یا خیر. ما آخر سال که به شرکتی می‌رویم ممکن است بگوییم بر اساس این شواهد شرکت تداوم فعالیت ندارد. خوب شاید هم درست باشد و باید منحل شود اما حسابرس داخلی است که می‌تواند از قبل هشدار و راهکار دهد که برنامه را تغییر دهید، که دچار این شرایط نشویم. بنابراین یک دانش جدیدی در راه است که می‌توانیم بگوییم دانش پسا کرونایی در حال روی دادن است و ممکن است ناچار شویم در خیلی از استانداردها دست ببریم. همین حالا می‌بینیم که IFRS و مراجع استانداردگذار بین‌المللی اجرای چند استاندارد را به تعویق انداختند، یعنی گفتند با این شرایط نمی‌شود انجامش داد و احتمالاً استانداردهای جدید و عملی‌تری با توجه به شرایط موجود طراحی می‌کنند.

طبیعتاً تکنولوژی هم نقشش برجسته می‌شود البته تکنولوژی مدت‌ها بود که نقش برجسته‌ای داشت اما ما در ایران به آن کم توجه بودیم، ولی در حال حاضر می‌توانیم بگوییم که تکنولوژی با حرفه عجین شده است. شاید ناچار باشیم حتی در اساسنامه جامعه حسابداران اصلاحیه داشته باشیم که یکی از شرکای موسسات حسابرسی در تکنولوژی تخصص داشته باشد. همانطور که در موسسات بین‌المللی همینطور است. به طور مثال اگر بخواهیم ارزشهای رمزنگاری شده را حسابرسی کنیم، با کاربرد نمی‌توان این کار را کرد و باید تکنولوژی خاصی داشته باشیم و افرادی در شرکت باشند که شبکه‌های امنیتی را بلد باشند. من به عنوان حسابرس بلد نیستم و اگر هم بخواهم از متخصصین بیرون از شرکت استفاده کنم ممکن است هزینه سنگینی داشته باشد.

شاید به همین دلیل است که می‌گویند کرونا نوید پیروزی علم و دانش بر باورها و سنت‌های قبلی را داد. در حال حاضر بحث هوش مصنوعی و رباطها و داده‌های بزرگ مطرح است. چند روز پیش یک مقاله خیلی خوب خواندم که در حال استفاده از الگوریتم ژنتیکی داروین برای کشف تقلب هستند. در دنیا در حال ساخت ابزارهای جدیدی هستند که ما از آنها غافل هستیم. طبیعی است اگر شرکت‌های خارجی بخواهند با ما کار کنند یا ما بخواهیم با شرکت‌های خارجی کار کنیم و از این ابزارها غافل باشیم، موثر نخواهد بود.

سوال بعدی من هم همین بود که از نظر من اشکال بود ولی شما از آن به عنوان مزیت نام بردید. دیدگاهی در جامعه ما وجود دارد که لفظ حسابدار با مالیات عجین شده و این خوب نیست چون ما حسابدارها و حسابرس‌ها کار فنی انجام می‌دهیم و به قول شما ساخت نظام مالی و نظارت بر آن به عهده‌ی ما است. اما در حال حاضر همه توقعات به سمت مالیات رفته است. طبق تجربه‌ی شخصی خیلی از من می‌پرسند چه چیزی ارائه می‌دهید و من پاسخ می‌دهم که مثلاً تراز شما را درست می‌کنم، اما آنها می‌گویند ما مالیات می‌خواهیم. آیا مالیات هم جزو حسابداری هست؟ و به نظر شما این یک نقطه مثبت است؟

بله این فرصتی است تا شما رشته خود را معرفی کنید. خیلی از افراد نمی‌دانند تراز چیست که شما به ایشان توضیح می‌دهید، که من اگر یک تراز درست ارائه بدهم، مالیات شما غلی‌الراس نمی‌شود. بنابراین حسابداری فقط این نیست که یک تراز

درست به شما داده شود، بلکه یک تراز درست به شما داده می شود که افراد و سازمان هایی که می خواهند از آن استفاده کنند بتوانند به آن اتکا کنند. که یکی از ذینفعان اصلی سازمان امور مالیاتی است. در همه جای دنیا هم همینطور هست و یک تعدادی از ذینفعان هستند که خواستار صورت های مالی هستند. از دیگر ذینفعان، سهامداران و بورس و سازمان امور مالیاتی است. ما حسابداری نخواندیم که فقط کار مالیاتی انجام دهیم بلکه ما حسابداری خوانده ایم تا کار اصلی خود را انجام دهیم ولی یکی از کاربردهای مهم آن هم مالیاتی است.

یعنی ضربه نمی زند؟

خیر بلکه نشان می دهد شخصی که مدیر مالی است نمی تواند بگوید من مالیاتی بلد نیستم، باید یاد بگیرد. درست است که در شرکت های بزرگ مدیر مالیاتی هست، یعنی مدیر مالی این کار را انجام نمی دهد، چون مدیر مالی کارهای زیادی دارد و از روزی که ارزش افزوده در این کشور با این قانون مالیات های جدید درست شد، یک نفر باید باشد که برای کارهای مالیاتی متخصص باشد. در حال حاضر این کار را نمی کنیم چون ترجیح صاحبکاران این است که نیرویی با ۳ میلیون تومان استخدام کنند و همه این کارها را انجام دهد و خب تبعاتش هم این است که ۳ میلیون می دهند و برگ تشخیص صادر می شود و می بینند ۳۰۰ میلیارد مالیات دارند و این دسته گل حسابدار است که اصلا حرفه ای نبوده است. پس باید این کار را انجام دهند و خب طبیعی است وقتی حسابدار یا مدیر مالی ای اینگونه باشد حقوقش هم ۵ یا ۶ میلیون نیست بلکه ۲۰ میلیون تومان است. یعنی اگر یکی بگوید من ۲۰ میلیون حقوق می خواهم ما باید بپرسیم که بابت ۲۰ میلیون میتوانی بگویی چه بازخوردی به ما ارائه می دهی؟ و اگر این چیزها را ارائه می دهی خب ۲۰ میلیون هم میگیری، در غیر این صورت شاید ۳ میلیون هم نگیری! یعنی معتمد مالیات را به یک فرصت تبدیل کنیم و از این ابزار هم برای توسعه حسابداری هم برای رونق حرفه خود استفاده کنیم.

که البته خیلی از افراد به آن وارد شدند.

الان اشکال این هست که در کشور ما همه مشاور مالیاتی شده اند، یعنی شخص حقوق خود را هم نمی تواند حساب کند، اما اسم خود را مشاور مالیاتی گذاشته است. در همه جای دنیا وقتی شخصی مشاور مالیاتی می شود باید گواهینامه و مدرک هم داشته باشد. نه که هر کسی بازنشسته اداره دارایی است، یا اصلا در مشاغل بوده و در شرکت کار نکرده می شود مشاور شرکت ها، که خب این غلط است. یا هر حسابداری می گوید من کتاب قانون می خوانم و بلد هستم. آیا همه حسابدارها استانداردار حسابداری را بلدند؟ خیر و مالیات هم بلد نیستیم پس باید یاد بگیریم. اگر می خواهیم مالیات یاد بگیریم باید این آشفته بازار فعلی جمع شود، که البته روزی جمع می شود. بعضی مشاورها اصلا دنبال زد و بند هستند که اصلا کار ما زد و بند نیست و حرفه ما از زد و بند جداست و لازم است اخلاق حرفه ای را رعایت کنیم و ممکن است اصلا به صاحبکار بگوییم شما باید این مالیات را بدهید و راهی نیست.

من کمابیش مصاحبه و نوشته های شما را دنبال می کنم و می خواهم، چند سوال درباره جوان ها پرسم چون خیلی از مخاطبین ما جوان ها هستند و شما معمولا خیلی بالا دستی صحبت می کنید. یکی از دغدغه های اصلی مساله اشتغال است، مثلا جوانی در شهرهای کوچک زندگی می کند و توان رفتن به جای خوب برای آموزش را ندارد، ولی پتانسیل بالایی دارد. آیا این افراد هم می توانند این بازار را در شهرستان های کوچک برای خودشان پیدا کنند؟

در حال حاضر یک مشکل را که شما حل کردید و آن کلاس‌های آنلاین هستند. خوشبختانه این کلاس‌ها الان پاسخگوی نیاز افراد هستند و من از ابتدا هم معتقد بودم جوینده یابنده است. به طور مثال وی پی ان تهیه می‌کنید در سال ۲۰۰ هزار تومان و به یوتیوب وصل می‌شوید - که خب طبیعتا باید زبان انگلیسی بلد باشیم و علت تاکید ما بر زبان هم همین است که اگر بلد نباشید همین کلاس‌های رایگان را هم نمی‌توانید استفاده کنید - و می‌ماند آموزش داخلی که الان به علت کرونا از طریق وبینار بهترین استاد‌های کشور در اختیار تمام نقاط کشور قرار می‌گیرند و بهترین اساتید که روزی انحصارا در تهران بودند حالا در انجمن‌های شما و سایر انجمن‌ها و پکت و جامعه کلاس آنلاین برگزار می‌کنند، پس مشکل آموزش حل می‌شود.

مشکل مالیات هم که سراسری است و اینگونه نیست که فقط از تهرانی‌ها مالیات بگیرند. و می‌ماند همت عالی آقایان و خانم‌ها که از الان تیم درست کنند. این کارها تک نفری نیست، مثلا بعضی حرفه‌ها مانند پزشکی تکی است ولی حرفه ما اینگونه نیست. حسابداری اساسا تیمی است و شما وقتی می‌خواهید کاری را بگیرید باید یک تیم باشید که مثلا یکی حسابداری بلد باشد یکی مالیات بلد باشد یکی بیمه بلد باشد، چون ما نمی‌توانیم یک نفر را پیدا کنیم که همه این‌ها را بلد باشد.

در موسسات حسابرسی قدیمی ایران هم به این صورت بود و شرکا همچین ویژگی ای داشتند؟

در قدیمی‌ها هم اینگونه نبوده و همه مالیاتی نبودند. درست است که الان این باور غلط جا افتاده است که کار تیمی نمی‌کنیم و هرکس می‌گوید همه را بلدم ولی در موسسات درست و حسابی کار تقسیم می‌شده است. به طور مثال می‌گویند واحد حسابداری این دو شریک، واحد مالیاتی این دو شریک، واحد بیمه این سه شریک و غیره. اگر این کار را نکنند موفق نمی‌شوند چون اصلا فرض موفقیت، تقسیم کار بوده است. اولین درسی که در مبانی سازمان و مدیریت می‌خوانیم این است که از زمانی که مالکیت از مدیریت جدا شد، تقسیم کار هم ایجاد شد پس وقتی این را می‌خوانیم باید در عمل هم رعایت کنیم. پس می‌شود تیمی درست کرد از دو یا چند نفر که به نسبت کار تقسیم شود، که هرکدام بخشی از کار را انجام دهد چون صاحبکار به شما فرصت نمی‌دهد که با هر ۴ نفر جلسه بگذارد و ترجیح می‌دهد در یک جلسه همه حرف‌ها را از شما بشنود. پس اگر تقسیم کار باشد و دو نفر به جلسه بروند و پاسخ دهند قطعا کار را به شما ارجاع می‌دهند.

این‌ها تجربه شخصی من بوده است و اما درباره جوانان، من در حرفه معروفم که همیشه از جوانان حمایت داشته‌ام و معتقدم سنتی‌ها علی‌رغم احترامی که برایشان قائل هستیم، نهایتا بتوانیم اتاق فکری تشکیل دهند و از افکارشان استفاده کنیم که بعضا هم شاید نشود. و معتقدم معقولهایی که الان بحث کردیم و تکنولوژی و ... معقوله‌های جدیدی است که بعضی سنتی‌ها اسامی‌شان را هم بلد نیستند بنویسند، پس این کار، کار جوانان است. این علم با این درجه از نوگرایی که در آن ایجاد شده نیازمند افرادی است که ذهنشان در برابر آن مقاومت نداشته باشد. درست است که آدم‌های قدیمی هم می‌توانند نوین شوند ولی مقاومتشان سخت‌تر است، پس در این حرفه با توجه به مسائلی که گفتیم نقش جوانان بسیار برجسته است. ما نزدیک به ۴ میلیون و ۶۰۰ هزار دانشجو داریم که ۴۶۰-۴۷۰ هزار نفر آن‌ها رشته حسابداری می‌خوانند، این خیلی خوب است و نشان می‌دهد بازار خیلی بزرگی است. کمترین بیکاری هم در این رشته است. رشته‌ای که برای خانم‌ها هم اصلا محدودیت ندارد، وقتی یک خانم در یک شرکت مهندسی بالا می‌رود خیلی مقاومت وجود دارد ولی در شرکت حسابرسی اصلا وجود ندارد، چون جنسیت خیلی تعیین‌کننده نیست. این رشته ۲-۳ امتیاز دارد که باید از آن‌ها استفاده کرد، اولاً ۵۲٪ دانشجویان امسال خانم بودند، بنابراین طیف وسیعی از کسانی که دنبال اشتغال هستند تکلیفشان روشن است و می‌توانند در این رشته راحت باشند. دوم اینکه این رشته ذاتش جوری است که با دور کاری راحت‌تر است.

مشکلات اقتصادی باعث شده برخی افراد برای تامین زندگی خود بعد از بازنشستگی هم مشغول کار شوند درحالیکه فرض بر این است کسی که بازنشست شد حق ورود به بازار کار قبلی خود را ندارد ولی میتواند بیزینس شخصی خود را راه اندازی کند. با این وجود می‌دانیم مشکلات شخصی هم وجود دارد و اگر کار نکند در تامین هزینه‌های معیشت زندگی به مشکل برخورد خواهد خورد پس ساختار اقتصادی کشور نامناسب است.

خیلی از استانداردهای خارجی که ترجمه می‌شود در عمل به مضحکه تبدیل شده است. یکی از نمونه‌ها IFRS است. در کشوری که قیمت‌ها دائم در حال تغییر است نمی‌توان قیمت و نرخ خاصی را معیار قرار داد. در گذشته به همراه دوستی یک مقاله با عنوان تاکسی و IFRS نوشتیم که مضمون آن درباره‌ی وجود تنوع قیمت تاکسی از میدان ولیعصر تا میدان فاطمی بود، بطوریکه شش نوع خودرو با شش نوع قیمت مختلف مشاهده می‌شد در صورتیکه در جهان هزینه‌ی حمل و نقل نرخ مشخصی دارد. پس در ایران امکان تحلیل وجود ندارد، باید قبل از اینکه استاندارد و مبحث علمی را وارد کشور کنیم به زیرساخت و بستر لازم آن هم توجه کنیم. اگر استانداری را نمی‌توان بطور صددرصد اجرا کرد جایگزینی باید پیدا نمود که امکان اجرای آن در کشور وجود داشته باشد. IFRS را در گذشته در دانشگاه‌های ایران نمی‌شناختند و به نظر هنوز هم بسیاری از استادان حسابداری آشنایی کامل با آن ندارند، در صورتیکه وظیفه‌ی تحویل نیروی انسانی به بازار کار بر عهده دانشگاه و اساتید است و حرفه این وظیفه را نداشته، بلکه وظیفه حرفه، مهارت و آموزش کاربردی شغل است. پس از یک طرف نیرویی به جامعه کار تحویل داده نمی‌شود، در حرفه هم همینطور و بدتر از همه کتاب‌ها و استانداری‌هایی مثل IFRS در کتابخانه مانده و خاک می‌خورند.

به نظر یک سری از مشکلات اساسی این موضوع به ساختار کشور و یک سری هم به انجمن‌های متنوع بر می‌گردد. برای مثال برای هفته حسابداری چندین مدل انجمن با چندین مدل جشن و همایش وجود دارد (در صورتیکه باید مثل استان اصفهان یک مراسم یکپارچه با حضور همه‌ی انجمن‌ها و جمعیت قابل توجه برگزار شود) تفرق، خود شیفتگی و ناهماهنگی باعث می‌شود از توانمندی انجمن‌ها استفاده‌ای نشود. مثلاً انجمن مدیران مالی حرفه‌ای می‌تواند مدیران مالی را آموزش و ارتقا دهد. البته یکی از مشکلات اساسی که وجود دارد شباهت کار انجمن‌ها و نیز تکرار امور یکدیگر است. مثلاً آمریکا انجمن حسابداران زنان، انجمن حسابداران زنان سیاه پوست و انجمن منطقه‌ای دارد و هر یک کار خود را انجام داده و سهم خود را بر می‌دارند. به نظر بنده اکثر انجمن‌ها موفق نبوده‌اند و اگر هم جامعه حسابداران موفق بوده بخاطر اجباری است که وجود داشته است و شاید آن اجبار نباشد نتیجه‌ای نگیرد. به این نکته هم باید اشاره کنیم که مشارکت اعضا هم مشکل دارد همانطور که مشارکت مردم در تعیین سرنوشتشان خیلی فعال نیست. در انجمن‌ها مثلاً اگر فراخوانی جهت ار سال چند مقاله داده شود نتیجه‌ای ندارد ولی اگر گفته شود مقاله برای چاپ می‌خواهیم، بدون بررسی هر کسی مقاله خواهد داد. در ایران هزینه مشارکت اجتماعی پرداخت نمی‌شود و اکثراً خواستار درآمد اجتماعی بدون هزینه هستند. درحالی که در حسابداری می‌گوییم هیچ درآمدی بدون هزینه میسر نخواهد شد و فقط درآمد اتفاقی بدون هزینه است.

منظورتان این است که مردم هزینه مشارکت را نمی‌دهند؟

بله مردم، حرفه، اعضا و

وقتی افراد را برای عضویت در انجمن تشویق می‌نماییم اکثراً می‌پرسند عضویت در این انجمن چه امتیازی دارد؟

شما بعنوان مسئول و متولی انجمن وظیفه دارید در مقابل حق عضویتی که دریافت می‌نمایید خدماتی ارائه دهید که رضایت اعضا را در پی داشته باشد. در درجه اول موضوع آموزش است که اکثراً نادیده گرفته می‌شود. دوم نشریه‌ای است که حاوی نکات موثر برای اعضا باشد، لزومی ندارد نشریه هارد کپی باشد، انجمن حسابرسی داخلی آمریکا هر سری، بصورت الکترونیکی دو بحث جدی و اساسی در حرفه به مجادله میگذارد و نتیجه گیری می‌نماید، ولی در ایران همچین موردی نداریم. پس نتیجه می‌گیریم هم اعضا باید مشارکت نمایند و هم انجمن‌ها مطابق اساسنامه و مبلغی که دریافت می‌کنند اهداف ذکر شده در اساسنامه را پیش ببرند، اهدافی مثل آموزش و ترویج مدیران داخلی، حسابرسان داخلی و ... ، وقتی چنین اتفاقی صورت نگیرد این سوال پیش می‌آید که عضویت در آن انجمن چه سود و فایده ای خواهد داشت! برای مثال آیا در استخدام کمک کننده خواهد بود؟ ولی در کشور های خارجی تاثیر دارد. مثلاً وقتی شخصی CPA بوده یا عضو (CERTIFICATED INTERNAL AUDITOR) باشد شامل مزیت هایی می‌شود. اکثر انجمن‌ها (بجز مواردی که دارای اجبار قانونی از سوی جامعه هستند) در این موضوع‌ها موفق نبوده‌اند. تنها نهاد و سازمانی که در آموزش موفق بوده سازمان حسابرسی است.

آیا می‌توان دلیل آن را داشتن منابع مالی دانست؟

به نظر من فقط منابع مالی سبب نیست و شاید در یک دوره‌ای همه اهل دانش در آن جا حضور یافتند. در گذشته خیلی مبلغی پرداخت نمی‌شده است و این الان است که درآمد مهم شده است. خیلی‌ها حتی در حرفه‌های دیگر با وجود داشتن پول کافی موفق نبوده‌اند.

با توجه به اینکه در هفته حسابداری هستیم و پیرامون آن صحبت می‌کنیم، مجدد در مورد جوانان سوالی مطرح می‌کنم، بنده و شما دوست داریم کشورمان در همه وجوه از جمله از نظر اقتصادی خوب شود، همانطور که شخصی مثل شما با حضورتان در این مصاحبه به این خواسته علاقه نشان می‌دهید، به نظر شما نقش حسابداران جوان در توسعه‌ای که می‌خواهیم اتفاق بیفتد چیست و چه آینده‌ای برای آن‌ها متصور هستید؟

اساساً وقتی سخن از نقش حرفه‌ای حسابداری است منظور حسابداران هستند، هم اکنون می‌توان گفت افرادی که در حال کار و حاضر در حرفه هستند جوانان می‌باشند. حرفه نقش خیلی مهمی در توسعه پایدار دارد، در حال حاضر مبحثی بعنوان گزار شگری حسابداری توسعه پایدار بوجود آمده که نشان می‌دهد همانطور که عرض کردم حسابداری از ارکان دموکراسی است. مگر بحث اصلی این نیست که دولت باید پاسخگو باشد و حاکمان کار خود را به درستی انجام دهند؟ این درستی را چه کسی تایید می‌نماید؟ حسابرسان! در حسابرسی اجتماعی در دو دهه اخیر مباحث خیلی جالبی در حرفه نمایان شده است. جالب است بدانید چند سال پیش در دانشگاه الزهرا در روز حسابداری، محور سخنرانی در همایش، نقش حسابرسی در حکومت‌های مردم محور بود. برای خیلی از افراد سوال بود که آیا چنین موضوعی امکان پذیر است یا خیر. بله ارکان حکمرانی خوب قضات مستقل، حسابرسان شجاع و مستقل، مطبوعات آزاد و مشارکت مردم است. حسابرسان مستقل و خوب یعنی گزارش صحیح بر اساس صورت‌های مالی را به خوبی ارائه دهند. اگر تیم جوان حرفه بتواند به عناصر اصلی حرفه که گفته شد لزوماً ترازنامه نیست ورود نماید به نظر بنده حسابداری تمام کشورهای توسعه‌مدار و مردم‌سالار قوی تر از سایر ارکانشان خواهد بود.

از وقتی که در اختیار ما گذاشتید، سپاسگزاریم.

۴- ابوالقاسم خردجو (اولین رئیس هیئت مدیره بورس تهران و تنها رئیس کانون حسابداران رسمی ایران)

انتخاب ایشان به عنوان چهارمین عضو تالار مشاهیر انجمن به دلیل:
به دلیل انجام مطالعات اولیه راه‌اندازی بورس اوراق بهادار تهران، تلاش برای توسعه
حسابداری و حسابرسی و مشارکت اساسی در تأسیس کانون حسابداران.



ابوالقاسم خردجو از مدیران بانکی ایرانی بود. وی از سال ۱۳۳۹ تا ۱۳۵۷ مدیر عامل بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران بود. تحت رهبری او، این بانک بیشتر سرمایه خود را از بازارهای بین‌المللی جذب می‌کرد. او همچنین نایب رئیس صندوق معادن ایران بود.

خردجو در سال ۱۲۹۴ در یک خانواده مذهبی و بازاری در اصفهان متولد شد. تحصیلات خود را در مدرسه دارالفنون، دانش سرای عالی و مدرسه اقتصاد لندن در حسابداری انجام داد. در دوره نخست وزیری محمد مصدق، به همراه هیئت خلع ید به آبادان اعزام شد و یک سال به عنوان کارشناس خبره مالی در شرکت نفت مشغول بود. پس از کودتای ۱۳۳۲ در دوره ریاست ابوالحسن ابتهجاج به مدت یک سال در سازمان برنامه و بودجه کار کرد و سپس دوباره در شرکت نفت مشغول به کار کرد. از پاییز سال ۱۳۳۵ تا سال ۱۳۳۹ در بانک جهانی در واشینگتن کار کرد. پس از تأسیس بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران در سال ۱۳۳۸ قرارداد خیلی از مدیران و رؤسای ادارات بانک که خارجی بودند در سال ۱۳۳۹ تمام شد سازمان برنامه از خردجو دعوت کرد مدیریت بانک توسعه صنعتی و معدنی ایران را بر عهده بگیرد. او با پذیرفتن این دعوت یک تیم تکنوکرات و متخصص تشکیل داد تا ۱۳۵۷ این منصب را بر عهده داشت. او درگیر سیاست نبود و علاقه‌اش توسعه صنعتی بود. او بر این باور بود که بالا بردن سطح زندگی، رفاه اجتماعی و بهبود وضع اقتصادی مردم منجر به افزایش آگاهی آنها می‌شود. او به شیوه حکومت محمدرضا شاه انتقاد داشت. خردجو همچنین منتقد جمشید آموزگار بود که در دوره نخست وزیری او نارضایتی‌ها از کنترل خارج شد. او آموزگار را به خاطر نداشتن بینش سرزنش می‌کرد. به اعتقاد او آموزگار هر مقداری را صرف خریدهای نظامی می‌کرد ولی با وجود منابع گسترده نفتی اصرار به مالیات گرفتن از فقرا داشت که نارضایتی ایجاد می‌کرد و این سیاست‌ها نهایتاً به انقلاب انجامید. خردجو دستگیر نشدنش بعد از انقلاب را مرهون دو ستیش با بازرگان می‌داند. او در تابستان ۱۳۶۵ در واشینگتن درگذشت و در همان‌جا مدفون شد.

بنا بر اسناد سفارت بریتانیا در سال‌های دهه ۴۰، مهدی سمیعی در مقام ریاست بانک مرکزی ایران، علینقی عالیخانی وزیر اقتصاد، ابوالقاسم خردجو در سمت رئیس بانک صنعتی معدنی و صفی اصفیا در جایگاه رئیس سازمان برنامه و بودجه هماهنگی حیرت‌انگیزی را از خود به نمایش گذاشتند.

همگان وی را یکی از درست‌کارترین، موشکاف‌ترین، باوجدان‌ترین و آگاه‌ترین مدیران امور مالی نسل خود می‌دانستند.

* متن از دانشنامه ویکی پدیا

اعضای جدید انجمن مدیران مالی حرفه‌ای ایران



شماره عضویت	نام	نام خانوادگی
۹۹۱۰۹۸۸	سعید	مینائی آناقیزی
۹۹۱۰۹۹۱	حسن	ملکی قلعه
۹۹۱۰۹۹۲	سید مجتبی	شفیع پور
۹۹۱۰۹۹۳	علی	میرزایی ربک
۹۹۱۰۹۹۴	محسن	مرادخانی ورکردی
۹۹۱۰۹۹۵	مصطفی	ایزدپور
۹۹۱۰۹۹۶	مصطفی	تاجدینی

<p>موسسه حسابرسی و خدمات مدیریت ارقام نگر آریا (حسابداران رسمی)</p> <p>مدیر: امیر ابراهیم زاده (CMA)</p> <p>خدمات: حسابرسی مالی و بازرسی قانونی، حسابرسی عملیاتی، حسابرسی مالیاتی، حسابرسی داخلی، حسابداری مدیریت، طراحی سیستم‌های مالی و ارزیابی سهام، مشاوره مدیریت.</p> <p>نشانی دفتر مرکزی: تهران، میدان توحید، خیابان توحید، نبش خیابان پرچم، پلاک ۶۸</p> <p>تلفن: ۶۶۴۳۲۲۱۸-۶۶۴۲۲۶۳-۶۶۹۳۲۰۲۱</p>	<p>موسسه خدمات مدیریت جامع نگر</p> <p>تاسیس: مهرماه ۱۳۶۹</p> <p>موضوع فعالیت: مشاوره و اجرای کلیه خدمات مالی</p> <p>نشانی: تهران، میدان آرژانتین خیابان الوند کوچه برمک پ ۲ واحد ۵</p> <p>تلفن: ۸۸۶۷۸۱۶۷ و ۸۸۶۷۰۸۲۲</p>
 <p>راهکاران ابری همکاران سیستم</p>	<p>موسسه حسابرسی رازدار (حسابداران رسمی)</p> <p>معمد سازمان بورس و اوراق بهادار</p> <p>آدرس: تهران میدان آرژانتین خیابان احمد قصیر (بخارست) خیابان ۱۹- پلاک ۱۸ واحد ۱۴ طبقه ۷ کدپستی: ۱۵۱۳۸۴۳۷۳۸</p> <p>تلفن: ۸۸۷۲۶۶۶۵</p>

اینجا جای آگهی شماست

شرایط و نحوه عضویت

هر فردی که دارای شرایط زیر باشد می‌تواند به عضویت انجمن درآید.

۱. داشتن مدرک تحصیلی حداقل کارشناسی (لیسانس) در رشته حسابداری، حسابداری و مدیریت یا مدرک تحصیلی شناخته شده بین‌المللی با تأیید مراجع رسمی.
۲. داشتن حداقل پنج سال سابقه مؤثر در اداره امور مالی موسسات دولتی یا خصوصی.
۳. *در صورت داشتن سابقه رئیس حسابداری در شرکتهای بزرگ، سابقه مذکور مورد پذیرش قرار میگیرد
۴. پذیرفتن مفاد اساسنامه.
۵. عدم محرومیت از حقوق اجتماعی.
۶. نداشتن سوء شهرت حرفه‌ای و اجتماعی.
۷. پرداخت حق عضویت.

تبصره: خاتمه عضویت بنا به درخواست فرد، سلب شرایط و یا درخواست اکثریت اعضای هیئت مدیره و تصویب مجمع

عمومی می‌باشد.

مدارک مورد نیاز:

۱. تکمیل فرم عضویت (در سایت)
۲. اسکن شناسنامه
۳. اسکن کارت ملی
۴. اسکن مدارک تحصیلی (لیسانس به بالا - لیسانس در رشته حسابداری و رشته‌های مرتبط)
۵. اسکن گواهی سوابق کاری یا آخرین حکم کارگزینی (سابقه کار حداقل ۵ سال)
۶. اسکن عکس ۳×۴
۷. مصاحبه حضوری (باتوجه به شرایط شیوع کرونا، مصاحبه به صورت آنلاین انجام می‌شود)

ثبت نام صرفاً از طریق سایت این انجمن به نشانی iacfm.ir امکان پذیر است.